

موانع نهادی سرمایه‌گذاری و کسب‌وکار در ایران

دکتر محمدحسین حسین‌زاده بحرینی* سعید ملک‌الساداتی**

پذیرش: ۸۹/۱۱/۳۰

دریافت: ۸۹/۲/۱۴

کسب‌وکار / محیط نهادی / سرمایه اجتماعی

چکیده

در این تحقیق، پس از بازخوانی مولفه‌های محیط نهادی کسب و کار، احساس ناامنی و نگرانی سرمایه‌گذاران و اصحاب کسب و کار در کشور ایران، در قالب چندین متغیر ذهنی (subjective) اندازه‌گیری شده است. سپس با استفاده از نتایج به دست آمده و با کمک نتایج حاصل از مطالعه بانک جهانی که متغیرهای مزبور را برای کل جهان و نیز کشورهای توسعه‌یافته اندازه‌گیری کرده است، فرضیه‌های متعددی با هدف مقایسه محیط نهادی کسب‌وکار در جامعه ایران با محیط نهادی کسب و کار در دو جامعه مرجع (کل جهان و کشورهای توسعه‌یافته) مورد آزمون قرار گرفته است. نتایج این آزمون‌ها نشان می‌دهد که مولفه‌های تشکیل‌دهنده محیط نهادی کسب‌وکار در ایران، در قریب به اتفاق موارد، نسبت به کشورهای توسعه‌یافته و کل جهان در وضعیت نامناسب‌تری قرار دارد.

طبقه‌بندی JEL: P48, Z13

مقدمه

جست‌وجوی ریشه‌های تفاوت در عملکرد اقتصادها دغدغه همیشگی اقتصاددانان، به‌ویژه صاحب‌نظران دانش اقتصاد توسعه بوده است. چرا برخی کشورها از اقتصادی قوی، محکم و ریشه‌دار برخوردارند و کشورهای دیگری علی‌رغم برخورداری از شرایط مادی مساوی یا حتی بهتر، از ضعف عملکرد اقتصادی خویش رنج می‌برند؟ تأکید بر فرض «برخورداری از شرایط مادی مساوی یا بهتر»، مجالی برای انگشت نهادن بر اموری همچون موقعیت بهتر آب و هوایی، بهره‌مندی از منابع طبیعی بیشتر و بهتر، دسترسی آسان‌تر به بازارهای فروش و.... باقی نمی‌گذارد؛ چه این که دسترسی برخی از کشورهای دارای عملکرد ضعیف اقتصادی به مواهبی از این دست، من حیث‌المجموع، کمتر از کشورهایی که عملکرد اقتصادی درخشانی داشته‌اند، نبوده است.

اگر قرار باشد نهاده‌هایی همچون زمین، منابع طبیعی، موقعیت جغرافیایی، ثروت انباشته شده قبلی و در یک کلام، سرمایه فیزیکی را از صحنه تحلیل خارج کنیم، ناچار خواهیم بود توجه خود را به دو سنخ دیگر از نهاده‌ها، یعنی «سرمایه انسانی»^۱ و «سرمایه اجتماعی»^۲ کشورها، معطوف کنیم.

اقتصاددانان توسعه در مسیر مطالعات خود برای ریشه‌یابی علل و عوامل موفقیت اقتصادی برخی از کشورها و ناکامی برخی دیگر، نخست به اختلاف سرمایه فیزیکی موجود در این کشورها توجه کردند. مطالعات اقتصادسنجی که به همین منظور سامان می‌یافت و در آن از مصادیق مختلف سرمایه فیزیکی به‌عنوان متغیرهای توضیحی استفاده می‌شد، حاکی از آن بود که متغیرهای مزبور به تنهایی قادر به تبیین علل اختلاف عملکرد اقتصادی کشورها نیست. در گام بعد، متغیرهای دیگری همچون نرخ باسوادی، سطح تحصیلات و مهارت نیروی کار و....، که به‌عنوان مصادیق یا متغیرهای سرمایه انسانی شناخته می‌شدند، به مطالعات افزوده شد. ورود متغیرهای سرمایه انسانی را باید به‌عنوان پیشرفتی مهم در ریشه‌یابی تفاوت عملکرد اقتصادی کشورها تلقی کرد. در مرحله بعد، که در آخرین دهه قرن گذشته آغاز شد، اقتصاددانان با وارد کردن متغیرهای سرمایه اجتماعی به مدل‌هایی که

1. Human Capital.
2. Social Capital.

برای مطالعه میزان تأثیر عوامل مختلف بر رشد اقتصادی کشورها طراحی می‌کردند، گام مهم دیگری در این مسیر برداشتند.

در ادامه این مقاله، نخست اشاره‌ای گذرا به ضرورت انجام تحقیق، فرضیات تحقیق و ادبیات موضوع خواهد شد. سپس با طرح مباحث نظری پیرامون سرمایه اجتماعی، مخاطره و ارتباط آن با سرمایه‌گذاری و نیز، کیفیت محیط نهادی کسب‌وکار، زمینه را برای آزمون فرضیه‌های تحقیق مهیا می‌سازیم. پس از آن، با معرفی پژوهش انجام‌شده توسط «آیمو برونیتی»، «گریگوری کیسانکو»^۲ و «بئاتریس وِدِر»^۳ به‌عنوان پژوهش مرجع در این تحقیق، چگونگی استفاده از پرسش‌نامه و نتایج پژوهش مزبور را تشریح خواهیم کرد و بالاخره، نتایج آزمون فرضیه‌های تحقیق ارائه خواهد شد.

۱. کلیات تحقیق

۱-۱. تعریف مسأله

کسب و کار و سرمایه‌گذاری در هر کشور مستلزم فراهم بودن محیط نهادی مناسب و امنیت‌بخش در آن کشور است. صاحبان سرمایه، سرمایه‌های خود را در کشوری به کار خواهند انداخت که علائم و نشانه‌های امنیت اقتصادی به‌خوبی در آن قابل مشاهده باشد. سیاستگذاران و برنامه‌ریزان هر جامعه باید به‌طور مستمر وضعیت امنیت اقتصادی و سرمایه‌گذاری در آن جامعه را «اندازه‌گیری» و کنترل کنند و براساس نتایج حاصل از این اندازه‌گیری‌ها، تمهیدات لازم را برای «جذب سرمایه‌های خارجی» و «جلوگیری از فرار سرمایه‌های داخلی» به عمل آورند. قرائنی حاکی از عدم موفقیت کشورمان در این دو زمینه وجود دارد. در این تحقیق، با استفاده از یک چارچوب شناخته‌شده بین‌المللی، به این مسأله پرداخته شده است.

۱-۲. ضرورت انجام تحقیق

رشد اقتصادی مستلزم سرمایه‌گذاری است. اگر در جامعه‌ای سرمایه‌گذاری در حد و اندازه

1. Aymo Brunetti.
2. Gregory Kisunko.
3. Beatrice Weder.

لازم صورت نگیرد، رشد اقتصادی کند یا متوقف خواهد شد. نتیجه این امر کاهش سطح رفاه عمومی جامعه است. اما سرمایه‌گذاری در صورتی محقق خواهد شد که محیط مناسب و امنیت لازم برای آن فراهم باشد. باید دید که آیا در حال حاضر این پیش شرط در کشور ما وجود دارد؟ و اگر چنین نیست، عناصر ایجاد ناامنی کجا و در کدام یک از حوزه‌های اجتماعی فعال‌اند؟ آیا دولت - به‌عنوان نهادی که وظیفه آن ایجاد و گسترش امنیت در کشور است - نقش کلیدی خود را در این زمینه ایفا کرده یا برعکس، به نهادی «امنیت‌زدا» تبدیل شده است؟ لزوم کشف پاسخ این سؤال‌ها به‌منظور ترغیب دست‌اندرکاران به برنامه‌ریزی بهتر برای مدیریت عوامل ناامن‌کننده محیط کسب و کار در کشور، ضرورت انجام این تحقیق را آشکار می‌سازد.

۱-۳. فرضیه‌های تحقیق

این تحقیق دو فرضیه کلی دارد که به ۲۸ فرضیه جزئی و کوچک‌تر تقسیم می‌شود.

۱-۳-۱. فرضیه‌های کلی

۱. احساس ناامنی و نگرانی سرمایه‌گذاران و اصحاب کسب و کار، که از ماهیت و رفتار دولت ناشی می‌شود، در ایران از سایر کشورهای جهان بیشتر است.
۲. احساس ناامنی و نگرانی سرمایه‌گذاران و اصحاب کسب و کار، که از ماهیت و رفتار دولت ناشی می‌شود، در ایران از کشورهای توسعه‌یافته بیشتر است.

۱-۳-۲. فرضیه‌های جزئی

- هریک از فرضیه‌های جزئی این تحقیق متضمن یکی از ریشه‌ها یا منابع نگرانی و احساس ناامنی توسط سرمایه‌گذاران و اصحاب کسب و کار است. برای اجتناب از طولانی شدن مقاله، موضوع ویژه مورد نظر در هر فرضیه را در این جا فهرست می‌کنیم. متن کامل فرضیه‌های جزئی در جدول (۱) در انتهای مقاله آمده است.
۱. پیش‌بینی‌ناپذیری تغییرات در قوانین و سیاست‌ها.
 ۲. متعهد و پایبند نبودن دولت به سیاست‌های اعلام‌شده.
 ۳. بی‌خبرماندن سرمایه‌گذاران و اصحاب کسب و کار از پروسه وضع قوانین و سیاست‌های جدید مرتبط با رشته شغلی آنان.

۴. بی‌توجهی به نظرات صنفی سرمایه‌گذاران و اصحاب کسب‌وکار در پروسه وضع قوانین و سیاست‌های جدید.
 ۵. لغو دفاعی و بدون مقدمه قوانین و مقررات جاری توسط دولت.
 ۶. بروز تغییرات اساسی در قوانین و سیاست‌ها پس از هر انتخابات (در صورت تغییر دولت).
 ۷. احتمال تغییر غیرقانون‌مند دولت (از روشی مثل کودتا و...).
 ۸. سلیقه‌ای و غیرقابل پیش‌بینی بودن احکام صادره توسط دادگاه‌ها.
 ۹. ترس از دشمنی و رقابت دولت با بخش خصوصی.
 ۱۰. شیوع فساد اداری در کشور.
 ۱۱. گسترش فساد اداری به لایه‌های بالای مدیریتی و در نتیجه، عدم امکان شکایت از کارمندان سطوح پایین‌تر به‌خاطر مطالبه رشوه.
 ۱۲. نهادینه‌شدن فساد اداری در کشور و در نتیجه، تبدیل شدن رشوه به نوعی «هزینه معلوم و اجتناب‌ناپذیر».
 ۱۳. ناکارآمدی فساد (به این معنی که فساد اداری نقش تسهیل‌کننده و «روغن» در روابط اداری را نداشته و صرفاً به‌عنوان یک مانع عمل کند).
 ۱۴. عدم شفافیت و وضوح قوانین و در نتیجه، بروز اختلاف‌نظر مستمر میان آنان و مسئولان دولتی بر سر تفسیر قوانین.
- لازم به ذکر است که در این تحقیق، منظور از دولت، تنها قوه مجریه نیست؛ بلکه واژه مزبور کلیه دستگاه‌های حاکمیتی کشور اعم از دولت، قوه مقننه، قوه قضائیه، قوای انتظامی و سایر نهادهای رسمی مؤثر در اداره جامعه را در بر می‌گیرد.

۱-۴. مروری بر ادبیات تحقیق

ادبیات موجود در رابطه با موضوع این تحقیق به دو دسته عمده تقسیم می‌شود: دسته نخست مستقیماً شناسایی متغیرهای نهادی و سنجش یا مقایسه آن‌ها را هدف گرفته‌اند و دسته دوم، بررسی رابطه میان متغیرهای مزبور با رشد و توسعه اقتصادی را در دستور کار خود قرار داده‌اند و البته این دو جریان، در تحقیقات زیادی با یکدیگر پیوند خورده‌اند. در این

پژوهش‌های تلفیقی، نخست متغیرهای نهادی شناسایی و اندازه‌گیری شده و سپس، معنی‌دار بودن یا نبودن ارتباط میان متغیرهای مزبور با متغیرهای معطوف به سرمایه‌گذاری و رشد مورد آزمون قرار گرفته است (که می‌توان این دسته را نوع سومی از پژوهش‌های موجود در ادبیات موضوع دانست). کار برونتی، کیسانکو و وِدر از همین نوع اخیر است که به‌عنوان پژوهش مرجع، در تحقیق حاضر مورد استفاده و استناد قرار گرفته است.

تحقیقات نوع اول، نوعاً توسط مؤسسات برآوردکننده ریسک، بانک‌ها، شرکت‌های سرمایه‌گذاری و مؤسسات بیمه انجام شده و - معمولاً - به‌صورت ادواری منتشر می‌شود. گزارش‌های ادواری که توسط PRS^۱، EIU^۲، بنیاد هریتیج^۳، خانه آزادی^۴، بانک جهانی^۵ (کارگروه Doing Business)^۶ و... تولید و منتشر می‌شود، تماماً پژوهش‌هایی از این نوع هستند. در گروه دوم، تحقیقات بی‌شماری وجود دارد. همچنان که گفته شد، بخش دوم پژوهش برونتی، کیسانکو و وِدر به آزمون معناداری رابطه میان متغیرهای نهادی با سرمایه‌گذاری و رشد، اختصاص یافته است. مقاله کلاپر، لوین و راجان (۲۰۰۴)^۷ با عنوان «محیط کسب‌وکار و ورود شرکت‌ها: شواهدی از داده‌های بین‌المللی»، مقاله داوسون (۲۰۰۶)^۸ با عنوان «مقررات، سرمایه‌گذاری و رشد»، مقاله دیانکوف، مک‌لیش و رامالو (۲۰۰۶)^۹ با عنوان «مقررات و رشد» و مقاله سن و ولد (۲۰۰۷)^{۱۰} با عنوان «روابط دولت - کسب

1. Economist Intelligence Unit.

2. Political Risk Services.

3. Heritage Foundation.

4. Freedom House.

5. World Bank.

۶. کارگروه Doing Business که زیرمجموعه بانک جهانی است، در قالب گزارش‌های سالانه، وضعیت فضای کسب‌وکار در جهان را پیش می‌کند. این کارگروه علاوه‌براین به‌طور سالانه، شاخص‌هایی کمی و عینی، درخصوص مقررات مربوط به آغاز یک کسب‌وکار، مقررات مربوط به دریافت مجوزهای ساخت، استخدام کارگر، ثبت‌داری‌ها، دریافت اعتبارات، حمایت از سرمایه‌گذاران، پرداخت مالیات، انجام تجارت، تضمین قراردادهای تعطیل کردن یک کسب‌وکار را برای قریب به ۱۹۰ کشور جهان من‌جمله جمهوری اسلامی ایران تهیه می‌کند.

7. Klapper, Leora, Luc Laeven, and Raghuram Rajan, (2004), "Business Environment and Firm Entry: Evidence from International Data", NBER Working paper, no. 10380, Cambridge, Massachusetts.

8. Dawson, John W. , (2006), "Regulation Investment and Growth Across Country", Cato Journal, vol. 26, no. 3, pp. 489-509.

9. Djankov, Simeon, McLiesh, Caralee, and Ramalho, Rita M. , (2006), "Regulation and Growth". Economics Letters, vol. 92, no. 3, pp. 395-401.

10. Sen, Kunal, and Te Veld, Dirk Willem, (2007), "State-Business Relations and Economic Growth in Sub-Saharan Africa", IPPG DiscussionPaper no. 8.

و کار و رشد اقتصادی در منطقه جنوب صحرای آفریقا» نمونه‌های دیگری از پژوهش‌های دسته دوم هستند. در داخل کشور نیز شریف آزاده و حسین‌زاده بحرینی (۱۳۸۲)^۱ در مقاله «تأثیرپذیری سرمایه‌گذاری خصوصی در ایران از شاخص‌های امنیت اقتصادی»، حسین‌زاده بحرینی (۱۳۸۳)^۲ در مقاله «عوامل مؤثر بر امنیت سرمایه‌گذاری در ایران»، جعفری صمیمی و آذرمنند (۱۳۸۴)^۳ در مقاله «بررسی تأثیر متغیرهای نهادی بر رشد اقتصادی در کشورهای جهان» و رهبر و دیگران (۱۳۸۶)^۴ در مقاله «موانع سرمایه‌گذاری، تأثیر آن بر رشد اقتصادی در ایران» به این موضوع پرداخته‌اند. در تمام این پژوهش‌ها تأثیرپذیری سرمایه‌گذاری و رشد از کیفیت محیط نهادی کسب‌وکار - اجمالاً - مورد تأیید قرار گرفته است.

از آنجا که دولت به‌عنوان مهم‌ترین نهاد نهادساز شناخته شده است، این رشته از تحقیقات، از ابتدای پیدایش، با کیفیت دولت و نحوه تعامل آن با بخش خصوصی پیوند خورد. حاصل این پیوند، برجسته‌شدن بخشی از این تحقیقات بود که مستقیماً نقش دولت را در ایجاد بستر مناسب برای سرمایه‌گذاران و اصحاب کسب و کار و یا تخریب و ناامن‌سازی این بستر، مورد توجه قرار می‌داد. این بخش، در ادبیات موضوع با عنوان «حکمرانی خوب»^۵ شناخته می‌شود و بخش قابل توجهی از ادبیات موضوع را به خود اختصاص داده است.

۲. مبانی نظری تحقیق

۲-۱. سرمایه اجتماعی

فرانسیس فوکویاما سرمایه اجتماعی را این‌گونه تعریف کرده است:

«سرمایه اجتماعی عبارت است از هنجارها یا ارزش‌های مشترک که در روابط اجتماعی عملاً به نمایش گذارده می‌شود»^۶

از منظر بانک جهانی «سرمایه اجتماعی به نهادها، روابط و ارزش‌هایی که کیفیت و

۱. نامه مفید، شماره ۳۸، صص ۱۹۲-۱۵۹.

۲. جستارهای اقتصادی، شماره ۲، صص ۱۵۵-۱۰۹.

۳. دانش و توسعه، شماره ۱۶، صص ۳۶-۱۱.

۴. تحقیقات اقتصادی، شماره ۸۱، صص ۱۳۸-۱۱۱.

5. Good Governance.

6. Francis Fukuyama, Social Capital and Development: The Coming Agenda, SAIS Review, Winter-Spring 2002.

کمیت تعاملات اجتماعی را شکل می‌دهند، اشاره دارد. سرمایه اجتماعی جمع ساده نهادهای تشکیل‌دهنده جامعه نیست؛ بلکه به مثابه ملاحظاتی است که نهادهای مزبور را به یکدیگر پیوند می‌زند.^۱

کلمن بر این موضوع اصرار دارد که «سرمایه اجتماعی با کارکرد آن تعریف می‌شود: سرمایه اجتماعی یک شیء واحد و بسیط نیست بلکه مجموعه‌هایی از مفاهیم مختلف است که دارای ویژگی‌های مشترکی هستند: ابعاد مختلفی از ساختار و شبکه اجتماعی را در بر می‌گیرند و فعالیت‌های مختلف افرادی که در آن ساختار قرار دارند را امکان‌پذیر می‌سازند.»^۲

نظریه پردازان این عرصه علمی در این نکته که سرمایه اجتماعی مفهومی «ذات‌الاجزاء» است، با کلمن اتفاق نظر دارند. یکی از این اجزا که در ادبیات مربوط هم بر اصل آن تأکید شده و هم روش‌هایی برای اندازه‌گیری آن پیشنهاد شده است، مفهومی است به نام «اعتماد». در نگاه بانک جهانی، اعتماد عبارت است از «عناصری از رفتار بین‌فردی که همبستگی بیشتر و عمل جمعی مستحکم‌تر را تسریع می‌کند.»^۳

نقطه مقابل اعتماد، «بی‌اعتمادی» است و اگر مقوله اعتماد (بین مردم با یکدیگر، بین دولت و مردم، بین اجزای مختلف دولت و...) جای خود را به بی‌اعتمادی بدهد، بسته به میزان این جایگزینی، سرمایه اجتماعی در آن جامعه کاهش یافته است.

از مواردی که بحث اعتماد در تعاملات اجتماعی بسیار پررنگ می‌شود، عرصه سرمایه‌گذاری و کسب و کار است. سرمایه‌گذاری و کسب و کار قرین مخاطره و نگرانی است. در جوامعی که به لحاظ سرمایه اجتماعی غنی هستند و در زمینه اعتمادسازی میان کارگزاران اقتصادی با یکدیگر و با دولت موفق بوده‌اند، بخش قابل توجهی از مخاطره و نگرانی ذاتی سرمایه‌گذاری و کسب و کار، به وسیله همین سرمایه اجتماعی مدیریت و کنترل می‌شود. از ۱۹۹۰ به بعد پاسخ به پرسش‌هایی از این دست در دستور کار اقتصاددانان - و نیز، جامعه‌شناسان - قرار گرفت:

• اصولاً چرا سرمایه‌گذار احساس ناامنی می‌کند و اقدام به سرمایه‌گذاری را اقدامی

1. Social Capital: A review of the literature, SAIS Review, October 2001, P. 9.

2. Coleman 1990:302.

3. www. Worldbank. org.

مخاطره‌آمیز تلقی می‌کند؟

- چرا ریسک موجود در یک پروژه در دو مکان - مثلاً دو کشور مختلف - متفاوت ارزیابی می‌شود؟

- عوامل «امنیت‌زا» و «امنیت‌زدا» در فرآیند سرمایه‌گذاری کدامند؟
- چگونه می‌توان میزان مخاطره موجود در محیط کسب و کار را اندازه گرفت؟
- و....

دانشمندان علوم اجتماعی با طرح ایده «سرمایه اجتماعی» و اقتصاددانان با مطرح ساختن «محیط نهادی کسب و کار» به این عرصه وارد شدند.

۲-۲. محیط نهادی کسب و کار

ماحصل بحث جامعه‌شناسان و اقتصاددانان این است که سرمایه‌گذاری در خلأ انجام نمی‌شود. شبکه بسیار پیچیده‌ای از ارتباطات میان مصرف‌کنندگان، بنگاه‌ها، مؤسسات و نهادهای دولتی و... وجود دارد که «ظرف» سرمایه‌گذاری است. این ارتباطات که می‌تواند در اشکال رسمی و غیررسمی متبلور شود، به‌مثابه بستری است که کلیه رفتارهای اقتصادی - از جمله، سرمایه‌گذاری - در درون آن تحقق می‌یابد. اصطلاح نوظهور اما به‌سرعت رواج‌یافته «محیط نهادی کسب و کار» به همین معنی اشاره دارد. بدون آن که درصدد ارائه یک تعریف برای این اصطلاح باشیم، می‌توانیم با بیان برخی از مولفه‌های سازنده محیط نهادی کسب و کار، مقصود خود را از اصطلاح مزبور روشن سازیم:

۲-۲-۱. مولفه اول: سیاست‌ها، قوانین و مقررات

قوانین و مقررات جاری، اعم از قانون اساسی، قوانین عادی، آیین‌نامه‌ها و... و سیاست‌های حاکم بر تدوین و اجرای آن‌ها، از مولفه‌های اصلی شکل‌دهنده محیط نهادی کسب و کار در هر کشور به‌شمار می‌روند. برخی از کشورها از پدیده تغییرات بیش از حد و غیرمنتظره سیاست‌ها - و در نتیجه، تغییرات پیاپی و غیرقابل پیش‌بینی قوانین، مقررات و دستورالعمل‌ها - رنج می‌برند. حضور چنین پدیده‌ای در یک کشور، مترادف با غیرقابل اعتماد بودن محیط کسب و کار در آن کشور است. برعکس، ثبات نسبی و طول عمر معقول سیاست‌ها و قوانین ناشی از آن‌ها در یک اقتصاد، و قانونمند و قابل پیش‌بینی بودن تغییرات در

سیاست‌ها و قوانین، با ایجاد نوعی آرامش خاطر برای کارگزاران اقتصادی، این احساس را در آنان تقویت می‌کند که در محیطی «امن» و «پیش‌بینی‌پذیر» قرار دارند. در چنین محیطی:

- تغییرات غیرمنتظره سیاست‌ها و قوانین اندک است (no policy surprise).
- کارگزاران «مطمئن» هستند که دولت به سیاست‌ها و قوانینی که خود وضع و اعلام کرده است، پایبند خواهد ماند (credibility of announcements).
- هرگونه تغییر در سیاست‌ها و قوانین، سریعاً به ذی‌نفعان اطلاع‌رسانی می‌شود، و مهم‌تر از آن، کارگزاران اقتصادی در فرآیند ایجاد تغییرات در سیاست‌ها و قوانین، مشارکت داده می‌شوند (information and participation).

نخستین بار، آیمو برونیتی، گرگوری کیسانکو و بیتریس وِدر، محققان بانک جهانی، در سال‌های ۱۹۹۷^۱ و ۱۹۹۸^۲ با طراحی شاخصی برای اندازه‌گیری «قابلیت اعتماد به قوانین» و محاسبه آن در بیش از هفتاد کشور، نشان دادند که کشورهایی که قوانین در آن‌ها کمتر قابل اعتماد است، سرمایه‌گذاری و رشد کمتری را تجربه می‌کنند.

۲-۲-۲. مولفه دوم: ثبات سیاسی و دولت

در ادبیات مربوط، معمولاً ثبات سیاسی را به معنی قانونمندبودن تغییر دولت در نظر می‌گیرند. این تلقی از ثبات سیاسی اگرچه غلط نیست اما ناکافی است. مناسب‌تر آن است که در تعریف ثبات سیاسی، طول عمر دولت‌ها، و نیز طول عمر اجزای دولت‌ها را نیز مدنظر قرار دهیم. ثبات مدیریت در سطوح میانی - اعم از وزارتخانه‌ها، ادارات کل، استانداری‌ها، شهرداری‌ها، دانشگاه‌های بزرگ و شرکت‌های مهم دولتی - جزء لاینفک ثبات سیاسی است. علاوه بر آن، موضوع دیگری که باید در هنگام سنجش ثبات سیاسی مورد توجه جدی قرار بگیرد، نحوه تعامل دولت‌های جدید - اعم از دولت‌هایی که به‌صورت قانونمند بر سر کار آمده‌اند یا دولت‌هایی که از طریق کودتا و مانند آن قدرت را به دست گرفته‌اند

1. Aymo Brunetti, Gregory Kisunko, and Beatrice Weder, Credibility of Rules and Economic Growth: Evidence from a Worldwide Survey of the Private Sector (working paper), World Bank, (1997)

2. Aymo Brunetti, Gregory Kisunko, and Beatrice Weder, Credibility of Rules and Economic Growth: Evidence from a Worldwide Survey of the Private Sector, World Bank, (1998)

برخی نکات سودمند در مقاله اول (Working Paper) آمده که در مقاله دوم حذف شده‌است. ضمن این که تعداد کشورهای مورد مطالعه از ۵۸ کشور در مقاله نخست به ۷۳ کشور در مقاله دوم افزایش یافته است.

– با سیاست‌ها و قوانین برجای مانده از دولت قبلی است. در محیط‌های کسب‌وکار ناامن، این پدیده کاملاً شایع است که متعاقب تغییر دولت، تغییرات وسیعی در سیاست‌ها و قوانین اتفاق افتد.

۳-۲-۲. مولفه سوم: امنیت حقوق مالکیت

در تمامی اقتصادها، موضوع حراست از حقوق مالکیت، مهم‌ترین دغدغه سرمایه‌گذاران و اصحاب کسب‌وکار را تشکیل می‌دهد. منشأ این نگرانی می‌تواند «رفتار مجرمانه شهروندان دیگر» و یا «رفتار غیرمسئولانه مقامات دولتی» باشد. دقیقاً به همین دلیل است که از دیرباز در همه جوامع، افراد سعی می‌کردند با اتخاذ تدابیر مناسب، جان و مال خویش را از دسترس جنایتکاران و سارقان (شهروندانی که رفتار مجرمانه دارند) دور نگاه‌دارند. همچنان که از بدو پیدایش نهاد دولت، افراد نگران تعرض به جان و مال خود از سوی دولتمردانی بوده‌اند که رفتار غیرمسئولانه داشته‌اند. مسئولان دستگاه قضائی و دادرسان از جمله دولتمردانی هستند که با رفتار غیرمسئولانه خود می‌توانند به ناامنی محیط کسب و کار دامن بزنند. دستگاه قضائی در صورتی امنیت‌زا است که آرای صادره از سوی آن، پیشاپیش توسط طرفین دعوا – و نیز دیگران – قابل پیش‌بینی باشد. بخشی از این پیش‌بینی‌پذیری به استواری قوانین حقوقی و کیفری و وحدت رویه میان شعب مختلف دادگاه، و بخش دیگری از آن، به سلامت نفس دادرسان و مسئولان دستگاه قضائی مربوط می‌شود. تضييع حقوق شهروندی توسط مقامات دولتی و خطر مصادره اموال – که در محیط‌های کسب‌وکار ناامن وجود دارد – غالباً به استناد آرای غیرمسئولانه صادره از سوی دستگاه قضائی اتفاق می‌افتد. بر این اساس، می‌توان یکی از مولفه‌های مهم محیط نهادی کسب و کار را نحوه حراست از حقوق مالکیت در قبال تعرضات شهروندان دیگر و مقامات دولتی دانست.

۴-۲-۲. مولفه چهارم: خدمات عمومی و زیرساخت‌ها

از آموزه‌های مهم اقتصاد کلاسیک که قرن‌ها پس از اسمیت همچنان استواری خود را حفظ کرده، این است که دولت‌ها موظف نیستند – و نباید – در عرصه‌هایی از اقتصاد که شهروندان قادر و حاضر به حضور در آن هستند، به‌طور مستقیم وارد شوند. بُعد دیگر این آموزه آن است که دولت‌ها متقابلاً موظفند در عرصه‌هایی که بخش خصوصی نمی‌تواند

– یا نباید – مداخله کند، حضور فعال داشته باشد. این موضوع بعدها با پیدایش اصطلاح «وظایف حاکمیتی» پیگیری شد. بخش مهمی از وظایف حاکمیتی دولت‌ها معطوف به اموری است که سه مولفه فوق از مولفه‌های سازنده محیط نهادی کسب و کار را شکل می‌دهد. اما دولت‌ها علاوه بر «تولید سیاست‌ها، قوانین و مقررات کارآمد»، «تأمین ثبات سیاسی جامعه» و «تأمین حقوق مالکیت شهروندان» – که بخش نرم‌افزاری وظایف حاکمیتی دولت را تشکیل می‌دهند – در بخش سخت‌افزاری هم وظایفی دارند. تأمین کلیه زیرساخت‌های مورد نیاز فعالان اقتصادی که بخش خصوصی توان یا انگیزه کافی برای عرضه آن را ندارد، وظیفه سخت‌افزاری دولت در مسیر آماده‌سازی محیط نهادی کسب و کار است. تأمین آب، برق، ارتباطات، بهداشت، حمل و نقل، و... بخش‌های مختلفی از وظایف سخت‌افزاری دولت‌ها هستند. بدیهی است کسب و کار و سرمایه‌گذاری در جامعه‌ای که فاقد استانداردهای لازم در این امور است، حتی با فرض وجود قوانین مناسب و امنیت حقوق مالکیت و ثبات سیاسی، چندان جذاب و نتیجه‌بخش نیست.

۲-۳. چگونگی سنجش محیط نهادی کسب و کار

تاکنون با مولفه‌های محیط نهادی کسب و کار آشنا شده‌ایم. فلسفه پرداختن به این بحث این بود که ادعا شده عملکرد اقتصادی کشورها علاوه بر تأثیرپذیری از سرمایه فیزیکی و سرمایه انسانی که در اختیار دارند، از متغیر دیگری به نام سرمایه اجتماعی یا – به تعبیر اقتصاددانان – کیفیت محیط نهادی کسب و کار نیز تأثیر می‌پذیرد. با فرض پذیرش این ادعا – که البته تحقیقات فراوانی نیز برای اثبات آن انجام شده است^۱ – این سؤال مطرح خواهد شد که سنجش محیط کسب و کار و اندازه‌گیری مولفه‌های چهارگانه آن چگونه

۱. لازم به تذکر است که این دو اصطلاح یعنی سرمایه اجتماعی و کیفیت محیط نهادی کسب و کار، مترادف نیستند. نسبت میان آن دو، «عموم و خصوص من وجه» است به این معنی که نوعی همپوشانی نسبی میان مولفه‌ها و مصادیق آن دو وجود دارد.

۲. برای مثال مراجعه کنید به:

Chong and Calderon (2000), Kaufmann and Craay (2001), Knack and Keefer (1999), Maya Vijayaraghavan and William A. Ward (2001), Robert J. Barro (1996) and (1991), Parker (2006), Lars P. Feld and Stefan Voigt (2001), Taran Svitlana (2000), Nobuo Akai, Yusaku Horiuchi and Masayo Sakata (2005), Wei (1997), Ades and Di tella (1999), Alesina and Weder (1999), Brunetti, Aymo, Gregory Kisunko, and Weder (1997), Evans, Peter B. and James E. Rauch (2000), Fischer, Stanley (1993), Grier and Tullock (1989), Knack and Anderson (1999), Mauro (1995).

انجام می‌شود؟

بررسی ادبیات موضوع نشان می‌دهد که پژوهشگران و مؤسسات تحقیقاتی فعال در زمینه سنجش محیط کسب‌وکار در کشورها یکی از سه مسیر زیر را انتخاب کرده‌اند:
اندازه‌گیری عینی^۱، اندازه‌گیری ذهنی^۲، اندازه‌گیری تلفیقی^۳.

۱-۳-۲. اندازه‌گیری عینی

در این شیوه، توجه محقق بر متغیرهای عینی است. منظور از متغیر عینی متغیری مبتنی بر واقعیت، قابل مشاهده و اثبات پذیر است. متغیر عینی^۴، هویت و قوام خود را از احساس، ادراک و ذهن افراد نمی‌گیرد، بلکه برعکس، خود را به آذهان تحمیل می‌کند. مثلاً «تعداد بنگاه‌های دارای ده نفر کارکن و بیشتر در ایران» متغیری عینی است؛ زیرا این امکان وجود دارد که بنگاه‌های با مشخصات مزبور را شمارش کرد و عدد حاصل، مولود احساس و ذهن افراد نیست.

۲-۳-۲. اندازه‌گیری ذهنی

در این شیوه، برخلاف شیوه قبل، توجه پژوهشگر بر متغیرهای ذهنی – و نه عینی – متمرکز می‌شود. متغیر ذهنی^۵ متغیری وابسته به ذهن، احساس و درک انسان‌ها است. به همین دلیل، اعداد یا کیفیت‌هایی که توسط افراد مختلف به این متغیرها نسبت داده می‌شود، لزوماً یکسان نیست. سنجش این متغیرها به وسیله توزین، شمارش و... که طرق اندازه‌گیری متغیرهای عینی هستند – میسر نیست. از آن‌جا که در این نوع از تحقیقات، لازم است ذهنیت و احساس افراد مورد نظر کشف شود، از تکنیک‌هایی همچون مصاحبه و تکمیل پرسش‌نامه استفاده می‌شود.

۳-۳-۲. اندازه‌گیری تلفیقی

در پاره‌ای از تحقیقات، محقق از هر دو نوع متغیرهای عینی و ذهنی سود می‌برد. از این رو، در این نوع از تحقیقات، پژوهشگر مجبور است از هر دو نوع اندازه‌گیری – یا نتایج حاصل از آن‌ها – استفاده کند.

1. objective.
2. subjective.
3. objective & subjective.
4. objective variable.
5. subjective variable.

۴-۳-۲. ارزیابی سه شیوه پیش گفته

هریک از این سه شیوه اندازه گیری محیط کسب و کار می تواند سودمند باشد. درباره نوع سوم - به این دلیل که شیوه مستقلى محسوب نمى شود و در صورت به کار بردن، مزایای هر دو شیوه را به همراه خواهد داشت - بحث نخواهیم کرد. از بین دو نوع باقی مانده یعنی اندازه گیری عینی و اندازه گیری ذهنی، نوع اخیر برای سنجش محیط کسب و کار مناسب تر است. برای این که در جهت اثبات این ادعا حرکت کرده باشیم کافی است به این نکته توجه کنیم که هدف از این اندازه گیری چیست؟ فراموش نکرده ایم که فلسفه ورود به این بحث این بود که ادعا - و بلکه اثبات - شده است که میان کیفیت محیط نهادی کسب و کار، و میل و رغبت به سرمایه گذاری و ایجاد کسب و کار جدید یا گسترش کسب و کارهای موجود، ارتباط و پیوند معناداری وجود دارد و «رفتار» سرمایه گذاران و اصحاب کسب و کار، متأثر از «احساس» آنان است. ممکن است در یک جامعه مفروض علی رغم مناسب بودن تمامی شاخص های عینی مثل نرخ رشد، سطح عمومی قیمت ها، میزان بیکاری، مدرن بودن دستگاه اداری و...، سرمایه گذاران و اصحاب کسب و کار «احساس» خوشایندی از وضعیت عمومی کشور نداشته باشند. مثلاً ممکن است مسئولان کشور با ارائه آمارهای مستند نشان دهند که در زمینه تهیه امکانات سخت افزاری و نرم افزاری، دریافت انواع استاندارد و ایزو، تدوین پیشرفته ترین قوانین سرمایه گذاری و کسب و کار، آموزش و بازآموزی کارمندان، پاکسازی دستگاه اداری از فساد و... بسیار موفق بوده اند و در ردیف کارآمدترین و قابل اعتمادترین دولت های دنیا قرار گرفته اند. آیا این همه - حتی اگر کاملاً درست باشد - به اقبال بیشتر مردم به سرمایه گذاری و کسب و کار در کشور و رویگردانی آنها از سرمایه گذاری در کشورهای خارجی منجر خواهد شد؟ پاسخ لزوماً مثبت نیست. این اتفاق تنها زمانی خواهد افتاد که مردم، بهبود در متغیرهای مزبور و در نتیجه، کارآمدتر شدن و قابل اعتمادتر شدن دولت را «باور» کرده باشند. روشن است که میزان باورمندی مردم به ادعای مسئولان، متغیری «ذهنی» - و نه عینی - است.

برونتی، کیسانکو و وِدِر (۱۹۹۸) اشاره ای گذرا اما دقیق به این دو شیوه اندازه گیری دارند. از منظر این سه محقق، عبور از دوره اتکا به متغیرهای عینی، و روی آوردن پژوهشگران به استفاده از متغیرهای ذهنی از حدود سال های ۱۹۹۵ میلادی به بعد، اگرچه گامی مثبت و

رو به جلو تلقی می‌شود، اما کافی و قانع‌کننده نیست. علت این است که آنچه در این مقطع به‌عنوان متغیرهای ذهنی معرفی شده و مورد استفاده قرار می‌گرفت، به این دلیل که محصول مصاحبه با تعدادی از خبرگان و صاحب‌نظران یا تکمیل پرسش‌نامه توسط آنان بود، در واقع و مستقیماً «احساس سرمایه‌گذاران و اصحاب کسب‌وکار» تلقی نمی‌شد:

«اگرچه این شاخص‌ها، نگرانی‌های اصحاب کسب و کار را بهتر از متغیرهای کلی ثبات سیاسی [که عموماً «عینی» بودند] بازتاب می‌داد، اما شاخص‌های مزبور نیز بر احساس و ذهنیت خبرگان کشوری مبتنی بود نه احساس و ذهنیت اصحاب کسب و کار.»^۱

آنان سپس پیشنهاد کردند که فصل جدیدی از کاربرد متغیرهای ذهنی آغاز شود که در آن، ذهنیت، احساس و ادراک سرمایه‌گذاران و اصحاب کسب و کار مستقیماً و بدون واسطه به‌عنوان متغیر مستقل در مطالعات معطوف به رشد اقتصادی کشورها مورد استفاده قرار گیرد. این ایده، زیربنای پژوهش گسترده‌ای قرار گرفت که برای نخستین بار به‌وسیله خود آنان و به سفارش بانک جهانی انجام گرفت.

۳. معرفی تحقیق انجام‌شده توسط بانک جهانی

بانک جهانی در سال‌های پایانی قرن بیستم در پژوهشی میدانی با عنوان «موانع نهادی کسب و کار» به انجام یک تحقیق گسترده بین‌المللی، برای شناسایی موانع و مشکلاتی پرداخت که در کشورهای مختلف فراروی سرمایه‌گذاران و اصحاب کسب و کار وجود دارد. این پژوهش که در سال ۱۹۹۶ توسط سه محقق پیش‌گفته (برونتی، کیسانکو و وِدر) انجام شد، نمونه‌ای متشکل از ۳۶۰۰ بنگاه در ۶۹ کشور را شامل می‌شد و بانک جهانی از نتایج آن برای تهیه «گزارش توسعه جهانی ۱۹۹۷»^۲ استفاده کرد. نمونه مورد اشاره به دو نمونه جزئی‌تر شامل کشورهای توسعه‌یافته^۳ و کشورهای کمتر توسعه‌یافته^۴ تقسیم شده و

1. Brunetti, Aymo, Gregory Kisunko, and Weder (1998).

2. World Development Report (1997), The State in a Changing World.

3. Developed Countries (DC).

4. Less Developed Countries (LDC).

کشورهای استرالیا، کانادا، فرانسه، آلمان، ایرلند، ایتالیا، پرتغال، اسپانیا، سوئد، انگلستان و ایالات متحده در گروه نخست، و کشورهایی از منطقه خاورمیانه، امریکای لاتین، جنوب صحرای افریقا، اروپای غربی و مرکزی و برخی از کشورهای تشکیل دهنده اتحاد جماهیر شوروی سابق در نمونه یا گروه دوم جای گرفته‌اند. به این ترتیب، نمونه قابل توجهی از هر دو گروه در تحقیق برونئی، کیسانکو و وِدِر فراهم آمده است.^۱ محققان در مقاله جداگانه‌ای که در آن، داده‌ها، متدولوژی، پرسش‌نامه و نتایج تحقیق به صورت جداگانه منتشر شده است، انگیزه خود را از انجام تحقیق مزبور بیان داشته‌اند. آنان تصریح می‌کنند:

«با در نظر گرفتن مطالعات موردی و استدلال‌های نظری معطوف به پدیدهٔ برگشت‌ناپذیری سرمایه‌گذاری^۲ باید قابلیت اعتماد به فعالیت‌های دولت را در رأس مطالعات و تحلیل‌هایی قرار داد که پیرامون منابع و علل اختلاف در توسعه اقتصادی کشورها انجام می‌گیرد. این درحالی است که به دلیل فقدان اطلاعات کافی در این زمینه، به این موضوع آن گونه که باید پرداخته نشده است. این تحقیق درصدد است تا این خلأ را پر کرده، مجموعه‌هایی از اطلاعات کمی مقایسه‌پذیر را با هدف تعیین درجه نااطمینانی نهادی - در ابعاد مختلف و آن گونه که توسط اصحاب کسب و کار احساس می‌شود - فراهم آورد.»^۳

پرسش‌نامه تهیه شده توسط برونئی، کیسانکو و وِدِر که ابزار اصلی تحقیق آن‌ها است، از ارزش ویژه‌ای برخوردار است. چرا که به گفته محققان، برای نهایی شدن پرسش‌نامه مزبور مراحل متعددی - از جمله مصاحبه‌های گسترده با اصحاب کسب و کار، جمع‌بندی نتایج و تهیه نسخه اولیه پرسش‌نامه براساس آن، توزیع آزمایشی پرسش‌نامه در میان بنگاه‌های بخش خصوصی در ۲۸ کشور، جمع‌بندی نتایج حاصله، برگزاری جلسات بحث و مباحثه با صاحب‌نظران و تهیه نسخه نهایی پرسش‌نامه - طی شده است. این پرسش‌نامه علاوه بر پوشش نسبتاً قابل قبولی که از نگرانی‌ها و دغدغه‌های احتمالی بنگاه‌ها در بخش خصوصی دارد، به لحاظ نوع نگارش سؤال‌ها و گزینه‌هایی که ذیل هر سؤال قرار داده شده نیز به

1. Brunetti, Kisunko, and Weder (1997).

2. Investment Irreversibility.

3. Brunetti, Aymo, Gregory Kisunko, and Weder (1998).

گونه‌ای است که تا حد زیادی می‌تواند منتقل‌کننده «احساس» پاسخ‌دهنده نسبت به موضوع مورد بررسی باشد. به عبارت دیگر، پرسش‌نامه طراحی شده توسط برون‌تی، کیسانکو و وِدر ابزار بسیار خوبی برای یک پژوهش میدانی ذهنی با هدف «اندازه‌گیری» یا «کمی کردن» احساس کارگزاران بخش خصوصی است. دقیقاً به همین دلیل است که در تحقیق حاضر نیز، پرسش‌نامه مزبور - پس از بومی‌سازی و اعمال اصلاحات لازم - مورد استفاده قرار گرفته است؛ چراکه می‌توان اطمینان داشت که پرسش‌نامه مورد نظر از روایی^۱ کافی در اندازه‌گیری خصیصه مورد نظر محقق، یعنی سنجش درجه احساس ناامنی سرمایه‌گذاران نسبت به فضای کسب‌وکار برخوردار است. علاوه بر این باید تأکید کرد که بخش عمده‌ای از این مطالعه در جهت بازآزمایی نتایج حاصل‌شده از پرسش‌نامه برون‌تی، کیسانکو و وِدر صورت گرفته است و بر این اساس، نتایج این مطالعه ماهیتاً سنجش‌ای برای تعیین پایایی^۲ پرسش‌نامه فوق‌الذکر است. در این پرسشنامه، فهرست نسبتاً جامعی از کلیه مواردی که بنگاه‌ها با دولت سروکار پیدا می‌کنند - اعم از قوانین دولتی، سازوکارهای طراحی‌شده توسط دولت، و نیز، نتایج ناشی از عملکرد دولت - در معرض دید پرسش‌شونده قرار گرفته، و به گونه‌ای روشن، احساس پاسخ‌دهنده را در هر مورد دریافت می‌کند.

در یک تقسیم‌بندی کلی، می‌توان گفت که برون‌تی، کیسانکو و وِدر از طریق این پرسش‌نامه درصددند تا دو گونه متغیر را در جوامع مختلف اندازه‌گیری کنند: نخست متغیرهای نهادی که ریشه در فرهنگ و باورهای آحاد جوامع و حاکمان آن‌ها دارد (مثل مشارکت ندادن بخش خصوصی در پروسه تدوین قوانین و سیاست‌ها که ریشه در بی‌اعتقادی حکومت‌ها به ضرورت یا فایده‌مندی مشارکت فراگیر دارد؛ یا عدم پابندی دولت به سیاست‌هایی که خود وضع و اعلام کرده، که ریشه در عدم اعتقاد حکومت‌ها به لزوم پاسخگو بودن در مقابل مردم دارد؛ یا فساد اداری که ریشه در انحطاط اخلاقی کارمندان و ارباب رجوع دارد و...) و دوم، متغیرهایی که به کارآمدی دستگاه‌های حاکمیتی مربوط می‌شود (مثل تأمین زیرساخت‌ها و خدمات عمومی، کنترل بیکاری و سطح عمومی قیمت‌ها و...). متغیرهای

۱. مفهوم روایی (Validity) به این پرسش پاسخ می‌دهد که ابزار اندازه‌گیری تا چه حد قادر به سنجش خصیصه موردنظر محقق است.

۲. مفهوم پایایی (Reliability) به این پرسش پاسخ می‌دهد که ابزار اندازه‌گیری در شرایط یکسان تا چه اندازه نتایج یکسانی به‌دست می‌دهد.

نوع دوم با انجام برخی تغییرات سخت‌افزاری یا نرم‌افزاری در کوتاه‌مدت قابل تغییر است (برخلاف متغیرهای نوع اول که ایجاد تغییرات معنادار در آن‌ها مستلزم تغییر در نگرش‌ها، باورها و عادات جامعه است و این امور جز با گذشت زمان، به وقوع نمی‌پیوندد).

در تحقیق حاضر، آن بخش از سؤال‌های مطرح شده در این پرسش‌نامه مورد توجه است که برای اندازه‌گیری متغیرهای نوع اول طراحی شده‌اند. ویژگی این گونه متغیرها، حرکت بطئی آن‌ها در طول زمان است که از چسبندگی متغیرهای مزبور به نگرش‌ها، باورها و عادات آحاد جامعه - اعم از شهروندان و حاکمان - و طبیعت نسبتاً ایستای آن‌ها ناشی می‌شود. دقیقاً به همین علت است که فاصله زمانی موجود میان نمونه‌گیری‌های این تحقیق، خللی در نتایج حاصل از آن ایجاد نمی‌کند. علاوه بر این، غلبه «پارادیم ریشه‌یابی توسعه براساس کیفیت محیط نهادی کسب‌وکار» در یکی دو دهه اخیر تضمین می‌کند که حرکت کشورها در این زمینه - عموماً - حرکتی رو به جلو بوده است. بنابراین، اگر نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌های این تحقیق، نشان‌دهنده بدتر بودن وضعیت محیط کسب‌وکار در ایران امروز نسبت به «سایر کشورها یا کشورهای توسعه‌یافته در ده سال پیش» باشد، با اطمینان می‌توان از بدتر بودن وضعیت محیط کسب‌وکار در ایران امروز نسبت به «سایر کشورها یا کشورهای توسعه‌یافته در زمان حال» سخن گفت.

۴. متدولوژی تحقیق

در این قسمت به‌طور مختصر روش آماری مورد استفاده در آزمون فرضیات را معرفی نموده و منطق به کار گرفته‌شده در استدلال پیرامون رد یا تأیید یک فرضیه را بیان می‌کنیم. فرضیه مورد بررسی در این پژوهش بر فقدان احساس امنیت در صاحبان سرمایه و اصحاب کسب‌وکار دلالت دارد. براین اساس در خصوص هر یک از موارد معرفی‌شده در قسمت ۲-۳-۲ به‌طور مشخص گزاره‌های زیر در معرض آزمون آماری قرار گرفته است:

۱. میانگین امتیاز ایران در مولفه X از میانگین امتیاز جهانی کمتر است.

$$\mu_x^{iran} < \mu_x^{world}$$

۲. میانگین امتیاز ایران در مولفه X از میانگین امتیاز کشورهای توسعه‌یافته کمتر است.

$$\mu_x^{iran} < \mu_x^D$$

در تحلیل‌هایی که در ادامه می‌آید، باید توجه داشت که μ همواره میانگین خوش‌بینانه مولفه مورد نظر در نمونه است. این میانگین، میانگین موزونی است که در محاسبه آن به پاسخ‌های خوش‌بینانه وزن بالاتر و به پاسخ‌های بدبینانه وزن کمتری تعلق گرفته است. بدین ترتیب که خوش‌بینانه‌ترین پاسخ به هر سؤال، وزن شش و بدبینانه‌ترین پاسخ، وزن یک را دریافت کرده است. این شیوه محاسبه میانگین موزون در هر سه نمونه (کشورهای توسعه‌یافته، کشورهای جهان و نیز کشور ایران) به‌طور یکسانی استفاده شده و به شکل زیر مورد آزمون قرار گرفته است.

$$H_0 : \mu_x^{iran} \geq \mu_x^{world}$$

$$H_1 : \mu_x^{iran} < \mu_x^{world}$$

$$H_0 : \mu_x^{iran} \geq \mu_x^D$$

$$H_1 : \mu_x^{iran} < \mu_x^D$$

بر این اساس، فرضیه مورد نظر ما در گزاره‌های آماری فوق، تحت پوشش فرضیه H_1 قرار گرفته است. به تعبیری دیگر تأیید فرضیه‌های این پژوهش در گروهی رد فرضیه H_0 دال بر بهتر بودن میانگین امتیاز مولفه X در ایران نسبت به جهان یا نسبت به کشورهای توسعه‌یافته است.

لازم به ذکر است که اطلاعات مربوط به کشورهای توسعه‌یافته و نیز کشورهای جهان برگرفته از مطالعه سال ۱۹۹۶ بانک جهانی است. نمونه مورد بررسی در مورد کشور ایران نمونه‌ای است که از میان بنگاه‌های صنعتی، کشاورزی و خدماتی دارای ۱۰ نفر کارکن و بیشتر، انتخاب شده و حجم این نمونه مطابق قاعده کوکران به شرح زیر تعیین شده است. در روش کوکران برای محاسبه حجم نمونه لازم در روش نمونه‌گیری تصادفی، از روابط زیر استفاده می‌شود که رابطه نخست یک رابطه کمکی و رابطه دوم تعیین‌کننده حجم بهینه نمونه است:

$$n_0 = \frac{Z_{\alpha/2}^2 \delta^2}{d^2}$$

$$n = \frac{n_0}{1 + n_0 / N}$$

که در این رابطه N اندازه جامعه آماری، n حجم نمونه، $Z_{\alpha/2}$ مقدار بحرانی آماره Z در سطح خطا α و d دقت احتمالی مطلوب یا همان سطح خطا است. در اینجا δ^2 برآورد واریانس

صفت مورد مطالعه در جامعه است که از حاصل ضرب احتمال موفقیت و شکست به صورت $\delta^2 = p \times q$ به دست می آید.

محاسبات مبتنی بر این قاعده تضمین می کند که نمونه مورد استفاده در این تحقیق با حجم حدود ۲۵۰ واحد صنعتی، کشاورزی یا خدماتی، نمونه مناسبی برای انجام این پژوهش است. لازم به یادآوری است نمونه مورد استفاده به لحاظ ویژگی های آن نیز کاملاً در خور توجه است.

حال با توجه به حجم نمونه برای انجام آزمون مقایسه میانگین ایران با میانگین جهانی از آماره Z به شرح زیر استفاده می کنیم:

$$Z = \frac{\bar{X}_{iran} - \bar{X}_{world}}{\sqrt{\frac{\delta^2_{iran}}{N_{iran}} + \frac{\delta^2_{world}}{N_{world}}}}$$

در این رابطه \bar{X}_i و δ^2_i به ترتیب میانگین و واریانس مولفه X در نمونه i ام و N_i حجم نمونه i ام است. حال اگر مقدار آماره Z بر مبنای رابطه فوق از مقدار Z جدول در سطح اطمینان ۹۵ درصد کوچک تر باشد، فرضیه H_0 با اطمینان ۹۵ درصد رد شده و فرضیه H_1 با اطمینان ۹۵ درصد پذیرفته می شود. این پروسه عیناً در مورد کشورهای توسعه یافته نیز تکرار شده است.

جمع بندی و ملاحظات

نتایج تحقیق به همراه فرضیه های جزئی تحقیق در جدول شماره یک فهرست شده است. جدول مزبور نشان می دهد که:

- اولاً، احساس ناامنی و نگرانی سرمایه گذاران و اصحاب کسب و کار در ایران درباره:
- پیش بینی ناپذیری تغییرات در قوانین و سیاست ها؛
- متعهد و پایبند نبودن دولت به سیاست های اعلام شده؛
- «به بازی گرفته نشدن» سرمایه گذاران و اصحاب کسب و کار در پروسه وضع قوانین و سیاست های جدید؛
- لغو دفعی و بدون مقدمه قوانین و مقررات جاری توسط دولت؛

- بروز تغییرات اساسی در قوانین و سیاست‌ها پس از هر انتخابات (در صورت تغییر دولت)؛
 - سلیقه‌ای و غیرقابل پیش‌بینی بودن احکام صادره توسط دادگاه‌ها؛
 - ترس از دشمنی و رقابت دولت با بخش خصوصی؛
 - گسترش فساد به لایه‌های بالایی هرم بوروکراسی؛
 - عدم شفافیت و وضوح قوانین.
- نسبت به احساس ناامنی و نگرانی سرمایه‌گذاران و اصحاب کسب و کار در هر دو جامعه مرجع (جهان و کشورهای توسعه‌یافته) بیشتر است. فرضیه‌های مربوط در تمامی این موارد با اطمینان ۹۵ درصد تأیید شده است.
- ثانیاً، احساس ناامنی و نگرانی سرمایه‌گذاران و اصحاب کسب و کار در ایران درباره تغییر غیرقانونمند دولت (از روشی مثل کودتا و شورش) نسبت به هر دو جامعه مرجع (جهان و کشورهای توسعه‌یافته) بیشتر نیست.
- و ثالثاً، احساس ناامنی و نگرانی سرمایه‌گذاران و اصحاب کسب و کار در ایران به واسطه:
- بی‌خبر ماندن از پروسه وضع قوانین و سیاست‌های جدید؛
 - شیوع فساد اداری؛
 - نهادینه‌شدن فساد در کشور (به مثابه عامل روان‌کننده کسب‌وکار)؛
 - ناکارآمدی فساد (به مثابه عامل بازدارنده کسب‌وکار).
- از کشورهای توسعه‌یافته بیشتر است؛ اما از میانگین جهانی بیشتر نیست.
- در مجموع، می‌توان چنین نتیجه گرفت که رفتارهای اختصاصی نهاد دولت - به معنای عام آن - در ایران نسبت به میانگین سایر کشورها، برای فعالان عرصه کار و تولید نه تنها آرامش‌بخش و امنیت‌زا نیست، بلکه امنیت‌زدا بوده و منشأ نگرانی است. این موضوع در رابطه با متغیرهایی همچون فساد اداری که برآیند رفتار مشترک دولت و شهروندان است، از شدت کم‌تری برخوردار است؛ در نتیجه، اگرچه فرضیه بیشتر بودن عدم امنیت ناشی از این امور در ایران نسبت به کشورهای توسعه‌یافته با اطمینان ۹۵ درصد تأیید می‌شود، اما نسبت

۱. لازم به تذکر است که جامعه آماری مربوط به این فرضیه، کوچک‌تر از جامعه آماری مربوط به سایر فرضیه‌هاست. علت این است که این فرضیه در ذیل فرضیه «شیوع فساد» قرار می‌گیرد. برای وضوح بیشتر، به متن فرضیه‌های مورد اشاره در جدول شماره یک مراجعه فرمایید.

به مجموع کشورها قابل تأیید نیست.

نگاه کلی به نتایج آزمون فرضیه‌های جزئی، تأیید اطمینان آور هر دو فرضیه کلی تحقیق را، که حاکی از نامناسب بودن محیط نهادی کسب و کار (من حیث المجموع) در ایران نسبت به (۱) سایر کشورها و (۲) کشورهای توسعه یافته است، نتیجه می‌دهد.

توجه به این واقعیات، نخستین - و مهم‌ترین - گام از پروسه اصلاح محیط نهادی کسب و کار در کشور به شمار می‌رود.

کلیه موانع نهادی کسب و کار که در این تحقیق مورد شناسایی قرار گرفته‌اند، منعکس‌کننده باور و نگرش فعالان اقتصادی و سرمایه‌گذاران از فضای کسب و کار در کشور است. همان‌طور که پیش از این اشاره شد عرضه نهاد «کارفرمایی» یا به تعبیر دیگر، عرضه «نقش ریسک‌پذیری»، پیش از آن که به عوامل فیزیکی و زیربنایی حساس باشد، از طرز تلقی کارفرما و انتظارات وی نسبت به محیط کسب و کار تأثیر می‌پذیرد. علاوه بر این، باید توجه داشت که تعدیل چنین انتظاراتی در واکنش به متغیرهای سیاستی و نوع محرک‌های ایجادشده از سوی دولت، به شکل نامتقارنی به زیان رشد اقتصادی صورت می‌پذیرد. به بیان بهتر اعتمادسازی و ایجاد احساس امنیت در میان اصحاب کسب و کار، فرآیندی بطئی و زمان‌بر بوده، حال آن‌که امنیت‌زدایی از فضای کسب و کار فرآیندی آنی و ناگهانی است و این امر که خود ریشه در ماهیت مقوله اعتماد - به‌طور خاص - و سرمایه اجتماعی - به‌طور عام - دارد، دشواری هرگونه برنامه‌ریزی در جهت اصلاح موانع نهادی سرمایه‌گذاری را افزون می‌سازد.

گام‌های بعدی که باید متعاقب گام نخست برداشته شود، برنامه‌ریزی‌های دقیق برای رفع موانع مزبور و اجرای متعهدانه آن برنامه‌ها است. این برنامه‌ریزی‌ها باید به‌صورت توأمان راهبردهای سلبی و ایجابی مناسبی را در برگیرد. مراد از راهبردهای سلبی اجتناب عملی دولت از ایجاد هرگونه محرکی است که به تعمیق هرچه بیشتر احساس ناامنی در فعالان عرصه کسب و کار بینجامد. در راهبرد سلبی، دوری‌گزیدن از محرک‌هایی چون لغو دفعی و بدون مقدمه قوانین و مقررات جاری، بی‌اعتنایی به سیاست‌های اعلام‌شده، به بازی نگرفتن سرمایه‌گذاران و اصحاب کسب و کار در پروسه وضع قوانین و سیاست‌های جدید، سلیقه‌ای و غیرقابل پیش‌بینی بودن احکام صادره توسط دادگاه‌ها و موارد دیگری که ذیل فرضیات

این تحقیق به‌عنوان عوامل موجد حساس ناامنی بدان پرداخته شد، باید به روح حاکم بر رفتارهای دولت تبدیل شود.

اما راهبرد ایجابی - یا به تعبیری بهتر پاسخ به پرسش «چه باید کرد» - دولت، معطوف به اعتمادسازی در عرصه کسب و کار است. ایجاد تعهدات باورپذیر نسبت به رعایت منافع اصحاب کسب‌وکار و ابتناء الگوهای رفتاری شفاف و صریح در تعاملات اجزای دولت با یکدیگر و نیز دولت با بخش خصوصی، در صورت تداوم و پایداری می‌تواند به تقویت احساس امنیت میان سرمایه‌گذاران منتهی شود. از آن‌جا که کلیه موانع نهادی کسب و کار که در این تحقیق مورد شناسایی قرار گرفته‌اند، به نوعی ریشه در نگرش‌ها و باور آحاد جامعه - اعم از شهروندان و حاکمان - دارد، ضرورت دارد که در برنامه‌هایی که برای علاج آن‌ها طراحی می‌شود از ظرفیت‌های فرهنگی جامعه، همچون آموزه‌های تربیتی برگرفته از دین، و سنت‌های بومی پیش‌برنده به بهترین شکل بهره‌برداری شود.

منابع

- جعفری صمیمی و آذرمنند (۱۳۸۴)؛ «بررسی تأثیر متغیرهای نهادی بر رشد اقتصادی در کشورهای جهان»، مجله دانش و توسعه، شماره ۱۶، صص ۳۶-۱۱.
- حسین زاده بحرینی (۱۳۸۳)؛ «عوامل مؤثر بر امنیت سرمایه گذاری در ایران»، مجله جستارهای اقتصادی، شماره ۲، صص ۱۵۵-۱۰۹.
- رهبر و دیگران (۱۳۸۶)؛ «موانع سرمایه گذاری، تأثیر آن بر رشد اقتصادی در ایران»، مجله تحقیقات اقتصادی، شماره ۸۱، صص ۱۳۸-۱۱۱.
- شاکری، عباس، اقتصاد کلان، نظریه‌ها و سیاست‌ها، جلد دوم، ص ۸۵۵.
- شریف آزاده و حسین زاده بحرینی (۱۳۸۲)؛ «تأثیرپذیری سرمایه گذاری خصوصی در ایران از شاخص‌های امنیت اقتصادی»، نامه مفید، شماره ۳۸، صص ۱۹۲-۱۵۹.
- Akai, Nobuo (2005); "Short-run and Long-run Effects of Corruption on Economic Growth: Evidence from State-Level Cross-Section Data for the United States", *The Paper Presented at the Bi-Annual Meeting of the Japanese Economic Association* (at Kyōto Sangyō University, 4-5 June 2005).
- Alesina, Alberto and Weder, Beatrice (1999); "Do Corrupt Governments Receive Less Foreign Aid?". NBER Working Paper no. 7108.
- Arrow, K. J, (1974); "Essays in the Theory of Risk Bearing", p. 91.
- Barro, Robert (1991); "Economic Growth in a Cross Section of Countries", *Quarterly Journal of Economics*, 106 (2), pp. 407-433.
- Barro, Robert (1996); "Democracy and Growth". *Journal of Economic Growth*, 1(1):1-27.
- Borner Silvio, Aymo Brunetti and Beatrice Weder (1995).
- Brunetti, Aymo, Kisunko, Gregory and Weder (1997); "Beatrice Credibility of Rules and Economic Growth: Evidence from a Worldwide Survey of the Private Sector" (working paper), World Bank.
- Brunetti, Aymo, Kisunko, Gregory and Weder (1998); "Credibility of Rules and Economic Growth: Evidence from a Worldwide Survey of the Private Sector", World Bank.
- Chong, A and Caldron, C (2000); "Causality and Feedback Between Institutional Measures and Economic Growth", *Economic and Politics*, 12,

- 69-82.
- Coase, Ronald H. "The nature of the firm", 1973.
- Dawson, John W (2006); "Regulation Investment and Growth Across Country", *Cato Journal*, vol. 26, no. 3, pp. 489-509.
- De Soto, Hernando (1989); *The Other Path: The Invisible Revolution in Third World*, Harper Collins.
- Dixit, Avinash K and Pindyck, Robert S (1994); *Investment under Uncertainty*, p 476.
- Simeon, Djankov, McLiesh, Caralee, and Ramalho, Rita M (2006); "Regulation and Growth", *Economics Letters*, vol. 92, no. 3, pp. 395-401.
- Evans, Peter B. and Rauch, James E (2000); "Bureaucratic and Growth: A Cross-National Analysis of the Effects of 'Weberian' State Structure on Economic Growth", *American Sociological Review*, Forthcoming.
- Fukuyama, Francis (2002); "Social Capital and Development: The Coming Agenda", *SAIS Review*, Winter-Spring 2002.
- Kevin, Grier and Tullock, Gordon (1989); "An Empirical Analysis of Cross-National Economic Growth: 1951-1980". *Journal of Monetary Economics*, 24:259-276.
- Kaufmann, Daniel and Kraay, Aart (2001); "Growth without Governance", *Economia*, Fall 2002 Issue.
- Klapper, Leora, Laeven, Luc and Raghuram Rajan, (2004); "Business Environment and Firm Entry: Evidence from International Data", *NBER Working paper*, no. 10380, Cambridge, Massachusetts.
- Klitgaard (1990); *Information and Market Institutions in Adjusting to Reality: Beyond "State versus Market" in Economic Development*. ICS Press.
- Knack, Stephen and Anderson, Gary (1999); "Is 'Good Governance' Progressive?". Unpublished Manuscript.
- Mauro, P (1995); "Corruption and Growth", *Quarterly Journal of Economics*, 110 (3): 681-712.
- Sen, Kunal, and Te Veld, Dirk Willem (2007); "State-Business Relations and Economic Growth in Sub-Saharan Africa", *IPPG Discussion Paper*, no. 8.
- Social Capital: A review of the literature, *SAIS Review*, October 2001, P. 9.
- Sviltana, Taran (2004); "Property Rights, Institutions and Private Sector Development in Transition Countries", A thesis submitted in partial

fulfillment of the requirements for the degree of National University of “Kyiv-Mohyla Academy”.

World Development Report (1997); The state in a changing world.

Archive of SID

جدول شماره یک

نتیجه	آماره آزمون	Sd. c d. c` X	World` X	Sfran	Iran` X	فرضیه	موضوع	
فرضیه موردنظر با اطمینان ۹۹٪ تایید می‌شود.	۳/۵۱-		۱/۱۸	۳/۲۲	۱/۲۱	۳/۲۱	۱/۱. احساس نامنی و نگرانی سرمایه‌گذاران و اصحاب کسب‌وکار از «تغییرات غیرمنتظره در قوانین و سیاست‌ها» در ایران نسبت به سایر کشورهای جهان بیشتر است.	پیش‌بینی ناپذیری تغییرات در قوانین و سیاست‌ها
فرضیه موردنظر با اطمینان ۹۹٪ تایید می‌شود.	۸/۲۴-	۰/۹۹	۷۹.۳	۱/۲۱	۳/۲۱	۱/۲. احساس نامنی و نگرانی سرمایه‌گذاران و اصحاب کسب‌وکار از «تغییرات غیرمنتظره در قوانین و سیاست‌ها» در ایران نسبت به کشورهای توسعه‌یافته بیشتر است.		
فرضیه موردنظر با اطمینان ۹۹٪ تایید می‌شود.	۶/۱۳-	۰/۹۹	۱/۳۵	۳/۷۸	۱/۱۰	۲/۸۲	۲/۱. احساس نامنی و نگرانی سرمایه‌گذاران و اصحاب کسب‌وکار از «عدم پایداری دولت به سیاست‌های اعلام‌شده» در ایران نسبت به سایر کشورهای جهان بیشتر است.	متعهد و پایبند نبودن دولت به سیاست‌ها اعلام‌شده
فرضیه موردنظر با اطمینان ۹۹٪ تایید می‌شود.	۹/۰۹-	۱/۱۵	۴/۰۸	۱/۱۰	۲/۸۲	۳/۱. احساس نامنی و نگرانی سرمایه‌گذاران و اصحاب کسب‌وکار از «تغییرات نامتعارف در قوانین و سیاست‌های جدید مرتبط با رشته شغلی آنان» در ایران نسبت به سایر کشورهای جهان بیشتر است.		
این فرضیه تایید نمی‌شود.	۰/۵۴		۱/۳۷	۳/۰۵	۱/۳۰	۳/۱۴	۳/۲. احساس نامنی و نگرانی سرمایه‌گذاران و اصحاب کسب‌وکار از «تغییرات نامتعارف در قوانین و سیاست‌های جدید مرتبط با رشته شغلی آنان» در ایران نسبت به کشورهای توسعه‌یافته بیشتر است.	بی‌خبر ماندن سرمایه‌گذاران و اصحاب کسب‌وکار از پرونده وضع قوانین و سیاست‌های جدید
فرضیه موردنظر با اطمینان ۹۹٪ تایید می‌شود.	۳/۹۱-	۱/۴۲	۳/۸۰	۱/۳۰	۳/۱۴	۴/۱. احساس نامنی و نگرانی سرمایه‌گذاران و اصحاب کسب‌وکار از «بی‌توجهی به نظرات صنفی آنان در پرونده وضع قوانین و سیاست‌های جدید» در ایران نسبت به سایر کشورهای جهان بیشتر است.		
فرضیه موردنظر با اطمینان ۹۹٪ تایید می‌شود.	۷/۲۱-		۱/۲۶	۲/۶۹	۱/۰۹	۲/۲۹	۴/۲. احساس نامنی و نگرانی سرمایه‌گذاران و اصحاب کسب‌وکار از «بی‌توجهی به نظرات صنفی آنان در پرونده وضع قوانین و سیاست‌های جدید» در ایران نسبت به کشورهای توسعه‌یافته بیشتر است.	«به بازی گرفته‌شدن» سرمایه‌گذاران و اصحاب کسب‌وکار در پرونده وضع قوانین و سیاست‌های جدید

ادامه جدول شماره یک

نتیجه	آزمونه	Sd. c	d. c. `X	SWorld	World `X	Stran	Iran `X	فرضیه	
فرضیه مورد نظر با اطمینان ۹۹٪/تایید می شود.	-۵/۹۵		۴/۱۲	۱۵۰	۲/۲۳	۱/۳۴	۲/۴۴	۱/۱ احساس ناامنی و نگرانی سرمایه گذاران و اصحاب کسب و کار از لغو دفعی مقررات اعلام شده، توسط دولت، در ایران نسبت به سایر کشورهای جهان بیشتر است.	لغو دفعی و بدون مقدمه قوانین و مقررات جاری توسط دولت
فرضیه مورد نظر با اطمینان ۹۹٪/تایید می شود.	-۱۰/۵۲	۱/۳۰	۴/۱۲			۱/۳۴	۲/۴۴	۲/۲ احساس ناامنی و نگرانی سرمایه گذاران و اصحاب کسب و کار از لغو دفعی مقررات اعلام شده، توسط دولت در ایران نسبت به کشورهای توسعه یافته بیشتر است.	
فرضیه مورد نظر با اطمینان ۹۹٪/تایید می شود.	-۴/۲۷			۱۳۷	۲/۹۵	۱/۲۹	۲/۲۶	۷/۲ احساس ناامنی و نگرانی سرمایه گذاران و اصحاب کسب و کار از این که «قوانین و مقررات با تغییر دولت، که در نتیجه انتخابات روی می دهد، دستخوش تغییرات اساسی شود» در ایران نسبت به کشورهای توسعه یافته بیشتر است.	بروز تغییرات اساسی در قوانین و سیاست ها پس از هر انتخابات (در صورت تغییر دولت)
فرضیه مورد نظر با اطمینان ۹۹٪/تایید می شود.	-۸/۵۵	۱/۳۸	۳/۹۵			۱/۲۹	۲/۲۶	۸/۱ احساس ناامنی و نگرانی سرمایه گذاران و اصحاب کسب و کار از «تغییر غیر قانونمند دولت (از روشی مثل کودتا و...)» در ایران نسبت به سایر کشورهای جهان بیشتر است.	
این فرضیه تأیید نمی شود.	۶۶.۵			۱/۸۹	۲/۲۹	۱/۳۴	۴/۵۴	۸/۲ احساس ناامنی و نگرانی سرمایه گذاران و اصحاب کسب و کار از «تغییر غیرقانونی دولت (از روشی مثل کودتا و...)» در ایران نسبت به کشورهای توسعه یافته بیشتر است.	تغییر غیر قانونمند دولت
این فرضیه تأیید نمی شود.	۰/۴۹	۱/۷۷	۴/۴۳			۱/۳۴	۴/۵۴		

ادامه جدول شماره یک

نتیجه	آماره آزمون	S.d. c	d. c. ` X	SWWorld	World ` X	Stran	Iran ` X	فرضیه	
فرضیه مورد نظر با اطمینان ۹۹٪ تایید می‌شود.	-۳/۲۶			۱/۶۰	۷/۸۷	۱/۰۵	۷/۲۴	۱۱/۱. احساس ناامنی و نگرانی سرمایه‌گذاران و اصحاب کسب‌وکار از اسلیقه‌ای و غیرقابل پیش‌بینی بودن احکام صادره توسط دادگاه‌ها در ایران نسبت به سایر کشورهای جهان بیشتر است.	سلیقه‌ای و غیر قابل پیش‌بینی بودن احکام صادره توسط دادگاه‌ها
فرضیه مورد نظر با اطمینان ۹۹٪ تایید می‌شود.	-۸/۶۸	۱/۶۸	۳/۸۴			۱/۰۵	۷/۲۴	۱۱/۲. احساس ناامنی و نگرانی سرمایه‌گذاران و اصحاب کسب‌وکار از اسلیقه‌ای و غیر قابل پیش‌بینی بودن احکام صادره توسط دادگاه‌ها در ایران نسبت به کشورهای توسعه‌یافته بیشتر است.	
فرضیه مورد نظر با اطمینان ۹۹٪ تایید می‌شود.	-۷/۳۹			۱/۳۶	۳/۳۱	۱/۴۲	۷/۹۰	۱۳/۱. احساس ناامنی و نگرانی سرمایه‌گذاران و اصحاب کسب‌وکار در ایران از «دشمنی و رقابت دولت با بخش خصوصی» نسبت به سایر کشورهای جهان بیشتر است.	دشمنی و رقابت دولت با بخش خصوصی
فرضیه مورد نظر با اطمینان ۹۹٪ تایید می‌شود.	-۳/۰۶	۱/۳۱	۳/۴۱			۱/۴۲	۷/۹۰	۱۴/۱. احساس ناامنی و نگرانی اصحاب کسب‌وکار از «فساد اداری» و این که «برای انجام کارهای خود در ادارات دولتی باید رشوه بپردازند» در ایران نسبت به سایر کشورهای جهان بیشتر است.	
فرضیه مورد نظر با اطمینان ۹۹٪ تایید می‌شود.	-۸/۰۲	۱/۲۴	۵/۰۴			۱/۳۱	۳/۸۰	۱۴/۲. احساس ناامنی و نگرانی اصحاب کسب‌وکار از «فساد اداری» و این که «برای انجام کارهای خود در ادارات دولتی باید رشوه بپردازند» در ایران نسبت به کشورهای توسعه‌یافته بیشتر است.	شیوع فساد

ادامه جدول شماره یک

نتیجه	آماره آزمون	S.d. c	d. c. ` X	SWWorld	World ` X	Stran	Iran ` X	فرضیه	
فرضیه مورد نظر با اطمینان ۹۹٪ تأیید می‌شود.	-۲/۰۳			۱/۴۷	۱/۲۴	۳/۲۰	۲/۸۵	۱۵/۱. احساس ناامنی و نگرانی آن دسته از اصحاب کسب و کار که معتقد به شیوع فساد اداری در کشور هستند از این که «فساد اداری از بدنه کارمندی ادارات فراتر رفته و مدیران ارشد اداری نسبت به رشوه گیری توسط کارمندان خود بی تفاوت شده» یا «آنان همدمت شده باشند» در ایران نسبت به سایر کشورهای جهان بیشتر است.	گسترش فساد به لایه‌های بالایی هرم بوروکراسی
فرضیه مورد نظر با اطمینان ۹۹٪ تأیید می‌شود.	-۳/۴۲	۱/۶۳	۳/۷۱			۳/۳۰	۲/۸۵	۱۵/۱. احساس ناامنی و نگرانی آن دسته از اصحاب کسب و کار که معتقد به شیوع فساد اداری در کشور هستند، از تبدیل شدن رشوه به نوعی «هرزیه»، به این معنی که پیشاپیش معلوم باشد که برای انجام هر کاری باید چه میزان و به چه کسی رشوه پرداخت نمود» در ایران نسبت به سایر کشورهای جهان بیشتر است.	نهادینه شدن فساد در کشور (به‌مثابه عامل روان کننده کسب و کار)
این فرضیه تأیید نمی‌شود.	۰/۴۰			۱/۵۴	۴/۰۶	۱/۱۶	۴/۱۳	۱۵/۲. احساس ناامنی و نگرانی آن دسته از اصحاب کسب و کار که معتقد به شیوع فساد اداری در کشور هستند، از «تبدیل شدن رشوه به نوعی «هرزیه»، به این معنی که پیشاپیش معلوم باشد که برای انجام هر کاری باید چه میزان و به چه کسی رشوه پرداخت نمود» در ایران نسبت به کشورهای توسعه یافته بیشتر است.	
فرضیه مورد نظر با اطمینان ۹۹٪ تأیید می‌شود.	۴/۵۷-	۱/۳۶	۴/۹۰			۱/۱۶	۴/۱۳		

ادامه جدول شماره یک

نتیجه	آماره آزمون	S.d. c	d. c. ` X	SWorld	World ` X	Stran	Iran ` X	فرضیه	
این فرضیه تأیید نمی‌شود.	۰/۰۲			۱/۵۵	۴/۰۲	۱/۱۶	۴/۰۳	۱۷/۱. احساس ناامنی و نگرانی آن دسته از اصحاب کسب‌وکار که معتقد به شیوع فساد اداری در کشور هستند، از این که «حقی پس از برداشت رشوه، کار آنها انجام نشود و مجدداً با تقاضای رشوه اضافی از سوی کارمندان یا مدیران دیگر روبه‌رو شوند» در ایران نسبت به سایر کشورهای جهان بیشتر است.	(به مثابه عامل بازدارنده کسب‌وکار) ناکارآمدی فساد
فرضیه مورد نظر با اطمینان ۹۹٪/تأیید می‌شود.	۷/۹۹	۱/۱۵	۵/۲۲			۱/۱۶	۴/۰۳	۱۷/۲. احساس ناامنی و نگرانی اصحاب کسب‌وکار از «بروز اختلاف نظر میان آنان و مسئولان دولتی بر سر تفسیر قوانین» در ایران بیشتر از سایر کشورهای جهان است.	
فرضیه مورد نظر با اطمینان ۹۹٪/تأیید می‌شود.	۵/۱۵			۱/۲۸	۴/۲۴	۱/۲۸	۳/۹۲	۱۷/۳. احساس ناامنی و نگرانی اصحاب کسب‌وکار از «بروز اختلاف نظر میان آنان و مسئولان دولتی بر سر تفسیر قوانین» در ایران بیشتر از سایر کشورهای جهان است.	عدم شفافیت و وضوح قوانین